

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن آلمان

تیکه داران فرهنگ

یاران! که دیده باشد، زیر سیلاب فرهنگ
زنگیده شیشه دل، رویش حجاب فرهنگ
امواج بحر علمست، در ساحل ادیبان
افواج خود نمایی، پا در رکاب فرهنگ
شد باغ و راغ فرهنگ، پُر زاغ و بوم و باشه
با کرگسان نوازند، چنگ و رباب فرهنگ
مدهوش و مست و بیخود، از باده تظاهر
هر هرزه ای ندارد، تاب شراب فرهنگ
گر بُز فتد به میدان، از هر طرف کشانند
بر دست تیکه داران، بنگر طناب فرهنگ
فرهنگ شد متاع و، فرهنگیان چو دلال
با کاسبان فرهنگ، دارند حساب فرهنگ
هر ناسپاس دوران، بر مسندی نشسته
دزدیده مطلبی را، از هر کتاب فرهنگ
آمد سر زبانها، تا نام بی نشان
بر آسمان بلند شد، دود کباب فرهنگ
کبر و غرور شهرت، مستی خاص دارد
یک دنده ها به عوعو، همچون کلاب فرهنگ
نیرنگ، زنگ بسته، بر زنگ پای زاهد
آهنگ ناخراشش، دارد عذاب فرهنگ
با مکر در تغنی، با حیل در ترنی
تا روی صحنه حاضر، گردد غراب فرهنگ
از بس ز نام فرهنگ، کردند استفاده
چیزی دگر نیابی، جز از تراب فرهنگ
حالا که ریش فرهنگ، افتاده دست هر دنگ
قالیچه تفاخر، از پشم، تاب فرهنگ

از پشه فیل سازند ، از مور ، مار و اژدر
در منجلاب ساکن ، حرف از گلابِ فرهنگ
دستی گرفته بُردم ، از خاک ، اوجِ افلاک
زخمِ زبان نصیبم ، از هر ذبابِ فرهنگ
مارا حدیثِ عشق است ، سرمایهٔ تجارت
هم سود و هم زیانش ، باشد ثوابِ فرهنگ
« نعمت » ز اشکِ حسرت ، دوزد قباى حُرمت
صد پاره تا به دامن ، دیده قطابِ فرهنگ